خوز و خوزی در منابع طب سنّتی ایران

محسن ناصری[الف]*، ابوالقاسم سلطانی[ب]، فرزانه غفاری[ج]، طیبه طاهری‌پناه[د]، حسین رضایی‌زاده[هـ]، مهرداد کریمی[هـ]، مهناز محسن زاده[و]

[الف] مرکز تحقیقات طب سنّتی ایران، دانشگاه شاهد، تهران، ایران
[ب] گروه طب اسلامی و سنّتی، فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران
[ج] گروه تاریخ و متون پزشکی، دانشکده‌ی طب سنّتی و عصر اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
[د] گروه رادیوتراپی-انکولوژی، بیمارستان امام حسین (ع)، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
[هـ] دانشکده‌ی طب سنّتی و مرکز پژوهش‌های علمی دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
[و] گروه طب سنّتی ایران، دانشکده‌ی پزشکی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

چکیده

خوز و خوزی و کتاب‌هایشان به نام شوسماهی و جامع الخوز به کرّات به عنوان مرجع در منابع مهم پزشکی قدیم در اسلام و ایران مورد استفاده قرار گرفته‌اند ولی متأسفانه امروزه در دسترس نمی‌باشند.

در این مطالعه چهار کتاب «القانون فی الطب» ابن‌سینا، «الحاوی» رازی، «الجامع المفردات الأغذیهٔ و الأدویهٔ» ابن‌بیطار و «الصیدنهٔ» ابوریحان بیرونی برای اوّلین بار مورد استقصای کامل قرار گرفت و کلیه‌ی ارجاع‌های مربوط به خوز و خوزی بطور کامل مشخص گردید. مطالعه‌ی حاضر نشان داد، در کتاب الحاوی ۲۱۷ بار، در کتاب القانون ۱۶ بار، در کتاب الجامع ۴۴ بار و در کتاب الصیدنهٔ ۱۷ بار به خوز و خوزی ارجاع داده شده است. با توجّه به جملاتی مانند «اجتمعت الخوز»، «قالت الخوز قاطبه»، «قیل فی جامع الخوز»، «الخوز فی شوسماهی» و «قیل فی شوسماهی الخوز»، به نظر می‌رسد که برای اوّلین بار در تاریخ پزشکی، دانشمندان مکتب پزشکی جندی‌شاپور یا گروهی از آنان، نظرات و آراء خود را که بر آن اجماع داشته‌اند در یک یا چند کتاب مدوّن نموده و برای بشریّت به ودیعت نهاده‌اند. همچنین با توجّه به بعضی از ارجاع‌های مستقیم بیرونی و ابن‌بیطار به خوز و خوزی که بدون ذکر منبع واسطه است، این احتمال وجود دارد که برخی از کتاب‌های خوزیان در مناطق مختلف، حتی در اندلس آن‌روز، در دسترس بوده است.

واژگان کلیدی: خوز، خوزی، خوزیان، ارجاع، طب سنّتی

مقدمه

آمدن دو واژه‌ی «خوز» و «خوزی» در متون پزشکی قدیم و بیان دیدگاه‌ها و نظرات ایشان، بیانگر این نکته است که خوزیان صاحب مکتب در زمینه‌ی علوم پزشکی و داروسازی در دانشگاه جندی‌شاپور بوده‌اند و کتاب‌های مهمّی در این زمینه داشته‌اند که در متون پزشکی اسلام و ایران بارها مورد استفاده و استناد قرار گرفته است، ولی متأسفانه امروزه این آثار به صورت مستقل در دسترس نیستند.

سزگین در بررسی کتاب الحاوی، ٦٥ مورد و در بررسی صیدنه، ۵ مورد واژه‌های خوز و خوزی را ذکر نموده و بیان کرده است که با استقصای کامل ارجاعات به خوز می‌توان پرده از ابهامات موجود در رابطه با خوز و خوزی را از میان برداشت

* فرد مسوول مکاتبات: naseri@shahed.ac.ir

Archive of SID
www.SID.ir

(۱). اولمـان نیـز در جـستجوی الحـاوی جمعـاً بـه ۹۳ مـورد ارجاع‌های مختلف به خوز و خـوزی اشـاره دارد (۲)، همچنـین لکلرک از رازی در کتاب الحاوی مجموعاً ۵۰ مورد و از ابن‌بیطار ٤٤ مورد واژگان مرتبط با خوز را گزارش نموده است (۳).

هدف این تحقیق گردآوری کامل و بررسی نظرات خوزیان از چهار کتاب «القانون فی الطـب» ابـن‌سـینا، «الحـاوی» رازی، «الجامع المفردات الأغذیـهٔ و الأدویـهٔ» ابـن‌بیطـار و «الـصیدنهٔ» ابوریحان بیرونی می‌باشد.

روش‌ها:

در مطالعـه‌ی حاضـر جـستجوی کـاملی در چهـار کتـاب «الحاوی» از رازی، «القانون فـی الطـب» از ابـن‌سـینا، «الجـامع لمفـردات الأغذیـهٔ و الادویـهٔ» از ابـن‌بیطـار و «الـصیدنهٔ» از ابوریحان بیرونی انجام پذیرفت و کلیه‌ی ارجاع‌های مربـوط بـه خوز و خوزی بطور کامل مشخص گردید. در ادامـه، مـشتقات کلمه‌ی خوز و کاربرد کلمـات خـوز وخـوزی بررسـی شـد و هویّت خوز بر اساس متون مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

بررسی حاضر نشان داد که بطور خلاصه در کتاب الحـاوی ۲۱۷ بار، در کتاب القانون ۱٦ بار، در کتاب الجامع ٤٤ بار و در کتاب الصیدنه ۱۷ بار به خوز و خوزی ارجاع داده شده اسـت، که مفصّل آن در ذیل ارایه گردیده است:

یافته‌های الحاوی:

در کتاب الحاوی رازی، خـوز و خـوزی ۲۱۷ بـار بـه کـار رفته است (٤)، که به ترتیب شماره‌ی جلد، شماره‌ی صـفحه و شماره‌ی سطر در ذیل ارایه گردیده است:

٤/۹۳/۱، ۷/۹۳/۱، ۱۱/۱٤۰/۱، ۱۲/۲۱۳/۱، ۱۸/۸۲/۲، ۲/۸٦/۲، ۱۸/۱٤۳/۲، ۲/۱٤٤/۲، ۱۹/۲۵۷/۲، ۱٦/۲۷/۳، ۹/۷۹/۳، ۳/۱۲٦/۳، ٤/۲٦/۳، ۱٤/۱۹٤/۳، ۱۸/۲۱۳/۳، ۷/۱۷/٤، ۱۷/۵۰/٤، ٦/۵۱/٤، ۱۷/۱۱۲/٤، ۱۲/۱۸۲/٤، ٤/۱۸۸/٤، ۱٦/۸٤/۵، ۱۹/۸٤/۵، ۸/۸۵/۵، ۳/۸٦/۵، ۹/۹۵/۵، ۱۰/۹۷/۵، ۱/۱٦۹/۵، ۹/۱۷۸/۵، ۲۰/۱۸۷/۵، ۱٦/۲۱٤/۵، ۳/۲۱۹/۵، ۵/۱۱۹/٦، ٤/۱۳۲/٦، ٦/۱۳۲/٦، ۱۹/۱۳۲/٦، ٤/۱۳۳/٦، ۱۱/۱۵۰/٦، ۱۹/۲۱۳/٦، ۹/۲٤۹/٦، /۱٤/۲٤۹، ۱/۱۰/۷، ۱/۳۵/۷، ۸/۳۵/۷، ۱۱/۳۵/۷، ٤/۸۷/۷، ۲/۱٦۰/۷، ۲۰/۲۲٦/۷، ٤/۲۲۷/۷، ۱٦/۱۵٦/۸، ۱٤/۲٦/۹، ۱٦/۲٦/۹، ۱۱/۲۷/۹، ۲۰/۱٤٤/۹، ۸/۱٤۵/۹، ۱۸/۱٤٦/۹، ٦/۱۳۲/۱۰، ۵/۲٤۱/۱۰، ٦/۲٤۱/۱۰، ۷/۲٦۸/۱۰، ۱٤/۳۰٤/۱۰، ۱۵/۳۰٤/۱۰، ۱٦/۳۰٤/۱۰، ۱۸/۳۰٤/۱۰، ۲/۳۰۵/۱۰، ۱۱/۳۰۵/۱۰، ۱۳/۳۰۵/۱۰، ۱٦/۳۰۵/۱۰، ۵/۳۰٦/۱۰، ۱۰/۳۰٦/۱۰، ۱۷/۳۱۲/۱۰، ۳/۳۱۵/۱۰، ۲/۱۵/۱۱، ٦/۱۵/۱۱، ۱٤/۱۵/۱۱، ۱٦/۱۵/۱۱، ۱٦/۱۵/۱۱، ۱۷/۱۵/۱۱، ۱۷/۱٦/۱۱، ۵/۱۷/۱۱، ۱۳/۱۷/۱۱، ۳/۵۸/۱۱، ۷/۵۸/۱۱، ۳/۵۹/۱۱، ۱٤/٦۳/۱۱، ۲/۱۹۳/۱۱، ۸/۱۹٤/۱۱، ۹/۱۹٤/۱۱، ۱۲/۱۹٤/۱۱، ۱٦/۲۵۰/۱۱، ۳/۳۰۷/۱۱، ۵/۳۰۷/۱۱، ۵/۳۱۷/۱۱، ۱۲/۳۱۷/۱۱، ۱۲/۲۳/۱۲، ۸/۵۰/۱٤، ۱/۹٦/۱٦، ۷/۲۳۸/۱٦، ۱۵/۲٤٦/۱۹، ۱۲/۲۵۹/۱۹، ۳/۲٦۰/۱۹، ۲/۲۸۷/۱۹، ۵/۳۸۹/۱۹، ۹/۱۰/۲۰، ٦/۵۹/۲۰، ۷/٦۲/۲۰، ٤/٦۸/۲۰، ۱۲/۷۷/۲۰، ۱۰/۹۵/۲۰، ۱۱/۹۸/۲۰، ۱۲/۱۲۸/۲۰، ۱/۱۲۹/۲۰، ۸/۱٤۲/۲۰، ٤/۱۷۰/۲۰، ۱۲/۱۸۳/۲۰، ٤/۱۹۰/۲۰، ۱۵/۲۱۱/۲۰، ۱۵/۲۲۲/۲۰، ۵/۲۹۸/۲۰، ۸/۳۰۹/۲۰، ۱۵/۳۰۹/۲۰، ۸/۳۱۳/۲۰، ۱/۳۲۷/۲۰، ۲/۳۳۱/۲۰، ۳/۳۳۳/۲۰، ۱۳/۳۳٦/۲۰، ۳/۳۵۲/۲۰، ۱۳/۳۵۵/۲۰، ۵/۳۸۲/۲۰، ۵/۳۹۲/۲۰، ۱۰/٤۱۱/۲۰، ۱۱/٤۳۰/۲۰، ٦/٤٤۵/۲۰، ۱۱/۵۰٤/۲۰، ۱۵/۵۰٦/۲۰، ۱۲/۵۲۱/۲۰، ۱۳/۵۲۵/۲۰، ۱۵/۵۳۳/۲۰، ۱٦/۵۳۳/۲۰، ۳/۵٤۰/۲۰، ٤/۵٤۱/۲۰، ۳/۵۵۳/۲۰، ۱۳/۵۹۳/۲۰، ۳/۵۹۵/۲۰، ۱۰/۵۹۸/۲۰، ۱/٦۰۹/۲۰، ٤/٤۵/۲۱، ۷/٦۲/۲۱، ۱۳/۷۰/۲۱، ۱۷/۱٤٦/۲۱، ۷/۱۵۵/۲۱، ٤/۱٦۲/۲۱، ۸/۱٦۳/۲۱، ۳/۱۷۸/۲۱، ۳/۲۰۲/۲۱، ۵/۲۰۲/۲۱، ٦/۲۱۰/۲۱، ۱۱/۲۱۷/۲۱، ٤/۲۲۲/۲۱، ۵/۲۲۲/۲۱، ٦/۲۲۷/۲۱، ۸/۲۳۱/۲۱، ۵/۲۳۲/۲۱، ۱۲/۲۵۵/۲۱، ٦/۲۵۷/۲۱، ۱/۲٦۰/۲۱، ۷/۲٦۸/۲۱، ۳/۲۷٦/۲۱، ۱٤/۲۸۰/۲۱، ۱۹/۲۹۹/۲۱، ۳/۳۰۰/۲۱، ۱/۳۰٤/۲۱، ۱٤/۳۲۹/۲۱، ۱۰/۳۳۱/۲۱، ۱۲/۳٤۲/۲۱، ۵/۳٤۳/۲۱، ۲/۳٤۹/۲۱، ۱۲/۳۵۸/۲۱، ۲/۳٦۱/۲۱، ۵/۳٦۲/۲۱، ۱/۳٦٦/۲۱، ۱۰/۳۷۷/۲۱، ۱۲/۳۹۱/۲۱، ۱۱/٤۱۲/۲۱، ۱۰/٤۵۳/۲۱، ۸/٤٦۸/۲۱، ۱۲/٤۷۷/۲۱، ۳/٤۹۱/۲۱، ۱۲/٤۹۹/۲۱، ۱/۵۰۸/۲۱، ۱۵/۵۱۵/۲۱، ۸/۵۱۸/۲۱، ۱۱/۵۵۲/۲۱، ۱۰/۵۵۳/۲۱، ۲/۵٦۱/۲۱، ۱٤/۵٦۳/۲۱، ۱۷/۵٦۳/۲۱، ۱٦/۵۷٦/۲۱، ٤/۵۷۹/۲۱، ۷/۵۹۵/۲۱، ۹/٦۰۹/۲۱، ۹/٦۱۷/۲۱، ۱۰/٦۲۰/۲۱، ۱۵/٦۲۹/۲۱، ۳/٦۵۲/۲۱، ۱/۳۲/۲۲، ۱/۳۳/۲۲، ۳/٤٤/۲۲، ۸/۵٤/۲۲، ۲۳(ق۱)/۱۱/۲۱۹،

Archive of SID
www.SID.ir

۲۳(ق۱)/۱۱/۳۱۸، ۲۳(ق۱)/۲/۳۱۹، ۲۳(ق۲)/٦/۲۵، ۲۳(ق۲)/۸/۲۵، ۲۳(ق۲)/۱۱/۲۵، ۲۳(ق۲)/۱۲/۲۵، ۲۳(ق۲)/۱۲/۱۲۳

قابل ذکر است مواردی شامل «جوارش خوزی» ۳ بار (۱۰/۲۰٤/۵، ۱۳/۲۰۹/۵، ۵/۱۷۰/٦)، «طین خوزی» (۱٤/۱۹۱/۹)، «الطین الخوزی» (۱۱/۱۷/۲۳)، «قطاۀ الخوزی» (۳/۳۰۰/۲۱) که جمعاً شش مورد می‌شوند مستقیماً به نظرات خوز و خوزی که موضوع این مقاله می‌باشد ربطی ندارند، ولی نشانگر این مطلب هستند که بعضی ترکیبات و بعضی مفردات خاص مربوط به این گروه و یا این منطقه می‌باشند و در طب و داروسازی نقش و اهمیّت دارند.

یافته‌های القانون:

در کتاب قانون ابن‌سینا، خوز و خوزی ۱٦ بار به کار رفته است (۵)، که به ترتیب شماره‌ی جلد، شماره‌ی صفحه و شماره‌ی سطر در ذیل ارایه گردیده است:

۱۷/٤۳٦/۱، ۹/٤۵۹/۱، ۳/٤٦۷/۱، ۱۷/۵۱۰/۱، ٤/۵۵۹/۱، ۸/۵٦۹/۱، ۱۹/۵۹۵/۱، ٤/٦۰۱/۱، ۱۹/٦٤٦/۱، ۷/٦٦۲/۱، ۱۲/٦٦۸/۱، ۱۰/٦۷۳/۱، ۱٤/۷۰٤/۱، ۱۹/۷۲۳/۱، ۷/۷۸۹/۱، ۱۰/۸۳۷/۱

در کتاب قانون ۲٦ مورد واژگان و عبارات دیگر مرتبط با خوز مانند «جوارش الخوزی»، «بزرک دارو الخوزی»، «فیدادیقون الخوزی»، «الطین الخوزی»، «صعتر الخوزی»، «تکثر بالخوز و بعسکر مکرم» به کار رفته است که در بالا ذکر نشده‌اند، زیرا مستقیماً به نظرات خوز و خوزی که موضوع این مقاله می‌باشد، ربطی ندارند ولی نشانگر این مطلب هستند که بعضی ترکیبات و بعضی مفردات خاص مربوط به این گروه و یا این منطقه می‌باشند که در طب و داروسازی نقش و اهمیت دارند. یکی از موارد «فی بلاد خوزستان» می‌باشد که در رابطه با محل شیوع بیماری «عرق مدنی» آمده است.

یافته‌های الجامع:

در کتاب جامع ابن‌بیطار، در جملات ذیل خوز و خوزی ٤٤ بار به کار رفته است (٦)، که به ترتیب شماره‌ی جلد، شماره‌ی صفحه و شماره‌ی سطر در ذیل ارایه گردیده است:

۲۳/۳۳/۱، ۲٤/٦۳/۱، ۳۰/٦۷/۱، ۲۸/۹۱/۲۷،۱/۹۱/۱، ۳۲/۹۱/۱، ۱/۱۱۲/۱، ۱۰/۱۲۰/۱، ٦/۲٦/۲، ۳/۳۵/۲، ۱۲/۳۵/۲، ۵/٤۰/۲، ۱٦/٤۹/۲، ۲٤/۵۳/۲، ۱۱/۱۲٤/۲، ۲٤/۱۲۹/۲، ۱۸/۱٦۱/۲، ۱۵/۱٦۳/۲، ۱٤/۱٦۸/۲، ۱۸/۳۵/۳، ۵/٤۳/۳، ۱٦/۹٦/۳، ۱۸/۹۹/۳، ۲۸/۱۰۵/۳، ۲۲/۱۰۸/۳، ۲۵/۱۵۷/۳، ۳۰/۱۵۸/۳، ۱/۱٦۲/۳، ۲٤/۱٦٤/۳، ۲/۱۱/٤، ۳۲/۲۵/٤، ٤/۳۵/٤، ۲٦/٤٤/٤، ۲/۵۸/٤، ۱۰/٦٤/٤، ۳/٦۹/٤، ۵/۷۱/٤، ٦/۷۷/٤، ۳۱/۸۸/٤، ۲۰/۱۰۸/٤، ۱۷/۱۲۳/٤، ۲۲/۱٤۰/٤، ۱٤/۱٤۹/٤، ٤/۱۵۲/٤، ۲/۱۵۸/٤، ۲۹/۱٦۵/٤، ۷/۱٦۹/٤، ۱۵/۱۷۰/٤

در کتاب الجامع ٤ مورد واژگان دیگر مرتبط با خوز و خوزی به‌کار رفته است که در بالا ذکر نشده‌اند زیرا مستقیماً به‌نظرات خوز و خوزی که موضوع این مقاله می‌باشد، ربطی ندارند.

یافته‌های صیدنه:

در کتاب الصیدنه‌ی بیرونی، خوز و خوزی ۱۷ بار به کار رفته است(۷)، که به ترتیب شماره‌ی صفحه و شماره‌ی سطر در ذیل ارایه گردیده است:

۱۷/۳٤، ۲۲/۵۸، ۱۱/۸۹، ۱۰/۱۱۲، ۱۸/۱۲۳، ۱٤/۱٤۰، ۳/۱۵۰، ۱٤/۱۸۹، ۱٤/۳۱۰، ۷/۳۵٦، ۱۰/٤۱۲، ۱٦/۵۱۵، ۵/۵۲۸، ۱۲/۵۳۰، ۱۳/۵۳۸، ۱۸/٦۱۱، ۱۷/٦۱۸

بحث:

دانشمندان مختلفی مانند اولمان، سزگین و لکلرک تعدادی از ارجاع‌های مختلف به خوز و خوزی را در آثار رازی و دیگر دانشمندان یافته‌اند و در آثار خود منعکس نموده‌اند که در این بخش در **بند الف** به تفصیل این مطلب مورد بحث قرارگرفته است.

همچنین در رابطه با مفاهیم بیانات و همچنین هویّت خوز و خوزی، نظرات مختلفی وجود دارد که در این مطالعه در **بند ب** به تفصیل این نظرات مورد بحث قرارگرفته است.

همچنین به این سوال که آیا تا عصر ابن‌بیطار آثار خوز و خوزی در دسترس بوده است یا خیر؟ در **بند ج** پاسخ داده شده است.

الف- مقایسه‌ی تعداد مشتقات خوز:

Archive of SID
www.SID.ir

در این مطالعه، ۲۱۷ مورد واژگان و مشتقّات خوز از کتاب الحاوی، ١٦ مورد از کتاب قانون، ٤٤ مورد از کتاب مفردات ابن‌بیطار و ۱۷ مورد از کتاب صیدنه استخراج شد.

مانفرد اولمان در بررسی کتاب الحاوی مجموعاً ۹۳ بار واژگان مرتبط با خوز را گزارش نموده است. در مقایسه‌ی بین یافته‌های این مطالعه و یافته‌های اولمان، موردی که در کتاب اولمان ذکر شده باشد و در این مطالعه یافت نشده باشد وجود نداشت (۲).

همچنین فؤاد سزگین نیز در بررسی کتاب الحاوی مجموعاً ٦٥ بار واژگان مرتبط با خوز را گزارش نموده است (۱). نتایج این مطالعه با موارد ذکر شده توسط سزگین هم مقایسه شد. سزگین از کتاب الحاوی چاپ اوّل حیدرآباد استفاده کرده است که سال چاپ آن ۱۹۵۵ تا ۱۹٦۹ و تا جلد ۲۱ در اختیار بوده است (٤) و مجلّدات بعدی تا آن زمان چاپ نشده بود. این نکته قابل ذکر است که سال چاپ کتب مورد استفاده‌ی سزگین و مطالعه‌ی حاضر مشابه است. دو مورد زیر در کتاب سزگین ذکر شده است ولی در جستجوی ما یافت نشد که البته به نظر می‌رسد یک مورد اشتباه ایشان و یک مورد احتمالاً جابجایی صفحه باشد (جدول ۱).

همچنین لکلرک از رازی در کتاب الحاوی، مجموعاً ۵۰ بار، از سرابیون بزرگتر ۳ بار، از سرابیون کوچکتر ٢٦ بار و از ابن‌بیطار ٤٤ بار واژگان مرتبط با خوز را گزارش نموده است (۳). در مورد الحاوی بررسی این مطالعه کامل‌تر بوده ولی دو منبع دیگر مورد ارزیابی قرار نگرفت. همچنین به‌علّت عدم وجود فهرست مربوطه، مقایسه‌ی بین یافته‌های این مطالعه و یافته‌های او مقدور نبود.

جدول ۱. مقایسه‌ی نتایج مطالعه‌ی سزگین و مطالعه‌ی حاضر در مورد واژگان مرتبط با خوز در کتاب الحاوی

بررسی سزگین			مطالعه‌ی حاضر
ردیف	جلد	صفحه	
۱	۹	۱۴۹	در بررسی کتاب الحاوی در این صفحه کلمه‌ی ورق الجوز آمده است.
۲	۲۱	۴۹۸	در صفحه ۴۹۹ واژه خوز ذکر شده است.

ب- اشکال مختلف کاربرد خوز و خوزی در کتاب الحاوی:

در جدول ۲ کاربردهای مختلف خوز و خوزی نشان داده شده است. ۱۰۹ بار «الخوز»، «قالت الخوز» ۳۲ بار، «الخوزی» ۱۷ بار و ...

مرحوم رازی در کتاب ارزشمند الحاوی با عبارات مختلفی از خوز و خوزی ذکر مطلب نموده است، که همان‌طور که سزگین پیش‌بینی نموده بوده است با در کنار هم قرار دادن عبارات منقول از ایشان بسیاری از شبهات در مورد خوز و خوزی حل شد. امّا سه برداشت مهم از جدول ۲ به‌دست می‌آید که به شرح زیر می‌باشد:

۱- هویت خوز و خوزی:

سزگین در رابطه با خوز و خوزی و هویّت مربوطه چنین می‌نویسد:

«در ۲۱ جلد الحاوی که تا کنون منتشر شده است، نقل قول‌ها یا به صورت پیاپی پس از نام «الخوز»، یعنی بدون فعل آمده- همان‌طور که اغلب اوقات رازی چنین می‌کند- یا پس از فعل «قالت» (٤). این امر تا به حال این تصور را ایجاد کرده است که صحبت از اهالی خوزستان در میان است. امّا رازی این کلمه را هم گاهی با سایر مراجع توأماً می‌آورد، به صورتی‌که باید پذیرفت، وی مرجع خاصی را در نظر دارد، مثلاً آن‌گاه که وی از «الخوز و ابن‌ماسویه و ابن‌ماسه»، «ابن‌ماسویه- الخوز»، «الخوز(١٦/١١-١٥،١٧) و ابن‌ماسویه» (٤)، «شَرَک و الخوز و ابن‌ماسویه» (٥٨/١١)، «ابن‌ماسویه و ماسرجویه و الخوز» (٦٣/١١)، «ماسرجویه و الخوز» (٣١٧/١١) یاد می‌کند. در موضعی (٢٣٨/١٦) نقل قولی از رازی به وضوح تمام این نکته را روشن می‌کند، که منظور وی مرجع معینی است و نه یک گروه از مراجع، او می‌گوید: «الخوز و الطبری قالا»، یعنی این که هر دو، خوز و طبری گفته‌اند. به این دلایل باید بپذیریم که «الخوز»، یک شخصیت منحصر مورد نظر است که مراد از آن- از فعل «قالت» چنین بر می‌آید- یک پزشک زن است. این که آیا از اهالی جندی‌شاپور بوده (بدون این‌که در این مورد به یاد ارتباط نام او با خوزستان بیافتیم) یا بانوی پزشکی از اهالی سوریه یا از عرب‌های مسیحی، نکته‌ای است که با معلومات امروزی خود نمی‌توانیم آن را مشخص کنیم، ولی فقط به گمان

Archive of SID
www.SID.ir

جدول ۲. عبارات مختلف ارجاعی به خوز و خوزی در کتاب الحاوی

ردیف		تعداد	ردیف	و قیل فی شموسماهی الخوز و ماسرجویه	تعداد
۱	الخوز	۱۰۹	۲۱	اصبت فی شموسماهی للخوز	۱
۲	قالت الخوز	۳۲	۲۲	الخوز و القلهمان	۱
۳	الخوزی	۱۷	۲۳	الخوز و الطبری قالا	۱
۴	الخوز قالت	۱۶	۲۴	الخوز و ابن‌ماسویه وأبوجریج و الفهلمان وابن‌ماسه	۱
۵	قال الخوزی	۱۵	۲۵	الخوز و ابن‌ماسویه	۱
۶	الخوز قاطبه	۲	۲۶	الخوز و ابن‌ماسویه	۱
۷	الخوز فی شوسماهی	۲	۲۷	الخوز و ابن‌ماسویه	۱
۸	فی شوسماهی الخوز	۲	۲۸	بدیغورس و مسیح و ابن‌ماسویه و ماسویه و ماسرجویه و الخوز قاطبه	۱
۹	الخوز تقول فیه	۱	۲۹	الخوز و ماسرجویه و القلهمان	۱
۱۰	اجتمعت الخوز	۱	۳۰	ماسرجویه و الخوز	۱
۱۱	لی علی ما رأیت للخوز	۱	۳۱	ماسرجویه و الخوز	۱
۱۲	قالت الخوز قاطبه	۱	۳۲	الخوز و ماسرجویه	۱
۱۳	عند ذکره الخوز	۱	۳۳	ابن‌ماسویه و شرک الهندی و الخوز و ماسرجویه	۱
۱۴	سفوف للخوز	۱	۳۴	ابن‌ماسویه و ماسرجویه و الخوز	۱
۱۵	الخوز قال	۱	۳۵	الخوز و ابن‌ماسویه و ابن‌ماسه	۱
۱۶	الحوزی قالت (در متن الحوزی قالت می‌باشد)	۱	۳۶	ابن‌ماسویه و الخوز و الهندی	۱
۱۷	قیل فی جامع الخوز	۱	۳۷	شرک و الخوز و ابن‌ماسویه	۱
۱۸	قیل فی شوسماهی الخوز	۱	۳۸	الخوز و ماسرجویه و السندهشار	۱
۱۹	قیل ذلک فی شوسماهی الخوز	۱	۳۹	قال الخوزی و بولس	۱
۲۰	اصبت فی شوسماهی للخوز	۱			

می‌توان گفت که وی حداکثر در قرن ۲هـ/۸م می‌زیسته است. هنوز باید نشان قطعات آثار او را در مآخذ بیشتری جست و در اهمّیّت او در تاریخ پزشکی به تحقیق پرداخت (۱).

ولی با توجه به استقصای کامل این مطالعه و بیاناتی مانند «الخوز قاطبه» (۲۶/۹، ۲۵۹/۱۹، ۷۰/۲۱)، «اجتمعت الخوز علی» (۱۴۵/۹) و «قالت الخوز قاطبه» (۴۵/۲۱) و همچنین بررسی لغوی خوز و سابقه‌ی تاریخی آن، که در مقدمه ذکر شده، به احتمال قوی خوز اطبای مکتب جندی‌شاپور یا گروهی از آن‌ها هستند که مطالب خود را به صورت دسته جمعی در کتاب‌های خود بیان نموده‌اند.

دکتر زریاب نیز در این رابطه می‌فرمایند:

«مقصود از الخوز همان اطبای مکتب جندی‌شاپور است که از زمان خسرو انوشیروان تا قرن سوّم هجری بزرگترین مرکز طبّی برای ایران و عراق بوده است و اطبای نامداری به جهان اسلام عرضه داشته است. «فی‌الخوز» همان کتاب یا کتاب‌هایی را که اطبّای این مکتب در داروشناسی و طب نوشته‌اند، بیان می‌کند. این کتاب یا کتاب‌ها به صورت جمعی یا گروهی نوشته شده بودند و چنین می‌نماید که اگر همگی بر مطلبی متفّق بودند در نقل از آن به «قالت الخوز» تعبیر شده و اگر یکی از ایشان مطلبی خاص به خود اظهار داشته بود از گفته‌ی او به «قال

www.SID.ir

الخوزی» تعبیر شده است. نظیر این اختلاف در الحاوی رازی در مواضع متعدد و در ابن‌البیطار (شاید به نقل از الحاوی) دیده می‌شود . مایرهوف در مقدمه‌ی آلمانی صیدنه حدس لکلرک را تأیید می‌کند و می‌گوید: مقصود از «الخوز» مکتب مشهور اطبای جندی‌شاپور واقع در خوزستان است که در قرن پنجم مسیحی بوسیله خسرو انوشیروان تأسیس شده بود و تا قرن سوّم هجری از اعتبار و احترام زیادی برخوردار بود...، امّا بررسی‌های آقای سزگین در الحاوی کامل نبوده است، زیرا در جلد ۲۱ آن دو بار به‌صورتی از «الخوز» نقل شده است که حدس‌های لکلرک و مایرهوف و اولمان را در این‌که مقصود از «الخوز» مکتب اطبای جندی‌شاپور و یا خود اطبای مذکور است تایید می‌کند. توضیح آن‌که در جلد ۲۱، ص٤٥ الحاوی آمده است: «قالت الخوز قاطبه» و در صفحه‌ی ۷۰ همان جلد آمده است: «الخوز قاطبه» و همین با صراحت و قاطعیت می‌رساند که «الخوز» گروهی از مردمان خوزستان بوده‌اند که همان اطبای جندی‌شاپور باشند و این گروه به طور مشترک کتابی در طب یا ادویه‌ی مفرده تألیف کرده بودند که نام آن کناش الخوز بوده است. «الخوز گروهی از مردمان منسوب به خوزستان هستند که به اطبای جندی‌شاپور شهرت داشته‌اند. این گروه علاوه‌بر کتاب‌های انفرادی به تألیف و تدوین جمعیِ برخی کتاب‌ها پرداخته‌اند که در زمینه‌ی طبّ و ادویه مفرده بوده است و به‌همین نام در برخی کتاب‌ها از آن‌ها نقل قول شده است» (۷).

ولی باید به این نکته‌ی ظریف توجه داشت که نقل قول‌های مربوط به خوزی در مجلدات شماره‌ی ۲۰ تا ۲۳ می‌باشد و فقط یک مورد در مجلد شماره‌ی از خوزی نقل قول شده است در حالی‌که ارجاع‌های «الخوز» در تمامی مجلّدات الحاوی پراکنده است و این مطلب احتمالاً نشان‌دهنده‌ی تفاوت «خوز» با «خوزی» می‌باشد که برای آن صور زیر متصوّر است:

۱- کتاب‌های خوز و خوزی جدا بوده است، جامع الخوز و شوسماهی الخوز مربوط به خوزیان بوده و کتاب خوزی کتاب و مرجعی جداگانه و احتمالاً با موضوع علم مفردات پزشکی بوده است.

۲- کتاب‌های خوز و خوزی یکی بوده و هرگاه نظرات خوزیان مشترک بوده، تحت عنوان «الخوز» ذکر گردیده است و هرگاه نظر یکی از آنان بوده، به‌صورت «الخوزی» آورده شده است. ظاهراً دکتر زریاب این نظریه را ترجیح می‌دهند. ایشان در مقدمه‌ی صیدنه می‌فرمایند: «کتاب شوسماهی و یا کتاب کّناش الخوز کتابی بوده است، ظاهراً در ادویه‌ی مفرده که به‌صورت جمعی از سوی اطبّای جندی‌شاپور به زبان سریانی که زبان علمی بوده است تدوین شده بوده و اگر همه‌ی مولّفان کتاب بر امری مثلاً خاصیت دارویی متفق بودند از آن به «قالت الخوز» و «قالت الخوز قاطبه» و یا «الخوز...» تعبیر شده است و اگر یکی از ایشان مطلب خاصّی را بیان داشته‌اند، از او به «الخوزی» تعبیر شده است» (۷).

۲- کتاب‌های خوزیان:

با توجه به عباراتی مانند «قیل فی جامع الخوز» (۳٦٦/۲)، «الخوز فی شوسماهی» (٤۱۱/۲۰، ۵۵۲/۲۱) و «فی شوشماهی الخوز» (۵٦۳/۲۱، ۲۱۰/۲۱)، «قیل فی شوسماهی الخوز» (٥٤١/٢٠، ٢٠٢/٢١، ٥٥٣/٢١) و «اصبت فی شوسماهی للخوز» (٤١٢/٢٠)، به نظر می‌رسد خوزیان دو کتاب به نام‌های جامع الخوز و شوشماهی الخوز یا شوسماهی الخوز تألیف نموده بودند، همچنین با توجه به اشاره‌ی بیرونی در کتاب «الجماهیر» به کتاب «کناش الخوز» و ذکر مطالبی از آن (۷)، به‌نظر می‌رسد یا خوزیان کتاب سوّمی داشته‌اند و یا اینکه این کتاب همان جامع الخوز می‌باشد. اولمان نیز در کتاب خود که به زبان آلمانی است، اشاره می‌کند که کتاب «کناش الخوز» کتاب یا رساله‌ای طبّی بوده که اطبّای جندی‌شاپور در خوزستان تألیف کرده بودند. گویا این کتاب به زبان سریانی بوده و قطعات فراوانی از ترجمه‌ی عربی آن در دست است (۲).

احتمالاً این کتاب‌ها اوّلین کتاب‌های پزشکی و داروسازی هستند که به‌صورت گروهی تألیف گردیده و اجماع خوزیان و مکتب جندی‌شاپور را برای جهانیان در دل تاریخ ثبت نموده‌اند و به علّت اهمّیّت این کتاب‌ها، تا قرن‌ها بعد به آن‌ها ارجاع می‌شده است، و این حاکی از اصالت علمی و دید والای این اندیشمندان و بیانگر اهمّیّت مکتب طبّی خوزیان در جندی‌شاپور می‌باشد. و این همان روشی است که امروزه در نگارش کتاب‌های مرجع

Archive of SID
www.SID.ir

(Textbook) در دانشگاه‌های بزرگ دنیا به‌کار می‌رود.

۳- قرابت دیدگاه‌های علمی خوزیان با دیگر دانشمندان:

با مراجعه به جدول ۲ از ردیف ۲۲ تا ردیف ۳۹ نام خوز و خوزی با نام حکما و اطبای دیگر که نظرات علمی مشترکی با یکدیگر داشته‌اند، ذکر گردیده است. این نام‌ها به ترتیب تکرار نام عبارتند از: قلهمان، ابن‌ماسه، طبری، ابن‌ماسویه، ابوجریح، بدیغورس، مسیح، ماسرجویه، شرک الهندی، الهندی، سندهشار، بولس، ماسویه.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود نام ابن‌ماسویه ۱۰ بار، و نام ماسرجویه ۹ بار در کنار نام خوز قرار گرفته است و این نشان دهنده‌ی این مطلب است که این افراد بیش از دیگران اشتراک نظر علمی با خوز داشته‌اند و این مطلب دور از ذهن نمی‌باشد زیرا ابن‌ماسویه از بزرگان و اطباء خوزیان و ماسوجویه از دانشمندان و حکماء مکتب جندی‌شاپور می‌باشند (۱).

ج- مقایسه‌ی تفاوت‌های ارجاع‌ها به خوز در منابع چهارگانه:

در جدول ۳ مفردات یکسانی که حداقل در دو کتاب از چهار کتاب مورد بررسی در رابطه با آن‌ها اظهار نظر شده و در جدول ٤ مفرداتی که فقط در کتاب الحاوی به آن‌ها ارجاع داده شده و در جدول ۵ مفرداتی که فقط در یکی از کتاب‌های چهارگانه به‌جز الحاوی ذکر شده، ارایه گردیده است. در این جدول در اصل به این سوال پاسخ داده شده است که آیا در زمان ابن‌بیطار به عنوان مثال، کتاب یا کتاب‌های خوزیان در دسترس بوده است و یا این‌که آنان به نقل قول از رازی یا دیگران اکتفا نموده‌اند و اصلاً کتاب خوزیان در دسترس آن‌ها نبوده و مدّتها پیش مفقود گردیده بوده است.

بررسی کامل این جدول نشان می‌دهد که احتمالاً بعضی از این منابع حداقل تا زمان ابن‌بیطار (قرن ۷ هجری قمری) در دسترس و بعضی در دسترس نبوده است. مثلاً ابن بیطار در ذیل مفرده «اوبوطیلون» از قول خوز بیان می کند که «آن به همین اسم معروف است» و این جمله عیناً توسط ابن‌سینا نیز از قول خوز نقل گردیده و این می‌تواند این شبهه را پیش آورد که احتمالا ابن‌بیطار این جمله را از ابن‌سینا بدون ذکر منبع نقل قول نموده، ولی دقّت نظر ابن‌بیطار در ذکر منابع و همچنین ادامه‌ی بیان او در ذیل همین مفرده «و برای دُمل‌های تازه مفید است و آن‌ها را در جا ترمیم و به هم جوش می‌دهد» که بیانی منحصر بفرد از خوز تا زمان ابن‌بیطار می‌باشد و در هیچیک از سه منبع معتبر مورد مطالعه‌ی ما نیز نیامده است این شبهه را رفع می‌کند. از موارد دیگر مذکور توسط ابن‌بیطار که در سه کتاب دیگر نیامده می‌توان به حندقوقی برّی، جرجیر، فراخ الحمام، مثنان، مرماحور وکرنب .... اشاره نمود.

موارد دیگری را نیز بیرونی (قرن ۵ هجری قمری) از خوز ذکر نموده که در سه کتاب دیگر نیامده است، مانند مفرده بسفایج، هرمس، بیش موشک، ایرامامیز، تفاح، جنطیانا و ...

این بیانات منحصر بفرد بیرونی و ابن‌بیطار نشان‌دهنده‌ی در دسترس بودن بعضی کتاب‌های خوزیان در سراسرجهان اسلام و حتی آندلس آن روز می‌باشد. از سوی دیگر بیان ابن‌بیطار در ذیل مفرده «بل»، «سوندا» و «لحم الحمیر» گفته‌های خوزیان را به نقل از رازی ذکر می‌کند و این نشان می‌دهد که در آثاری از خوز که در دسترس ابن‌بیطار بوده این جمله وجود نداشته و او از رازی نقل قول نموده است.

همچنین آخرین ردّپای خوزی که تا کنون یافته شده است، در بیانِ مولّف کتاب افیونیّه، عمادالدّین محمود، طبیب قرن دهم هجری در ذیل توضیح خواص زعفران می‌باشد که مطالب آن بیش از گفته‌های رازی و دیگران است:

«خوزی گفته زعفران هیچ خلط را تغییر نمی‌دهد بلکه حفظ می‌کند اخلاط را بالسّویه و اندک آن معده را دباغت کند و بسیارش مضر بود به معده و دماغ و تقویت کبد کند و مثانه و گرده را پاک می‌سازد و اگر نُطول از آن کنند بیداری که از بلغم حادث شده زایل کند و خواب آرد و سَدَر احداث کند و طحال را نافع است و برگ زعفران جراحت را مندمل سازد و اگر اکتحال کنند نزول آب را مفید بود و روغن زعفران نزدیک به همین فواید، فواید دارد از اندمال جراحت و طحال را و گرده را و مثانه را پاک ساختن و خواب آوردن».

Archive of SID
www.SID.ir

جدول ۳. مقایسه‌ی ارجاع‌ها به خوز و خوزی در منابع چهارگانه‌ی الحاوی، القانون، الجامع و الصیدنه در رابطه با یک مفرده‌ی معین.

حاوی	قانون	جامع	صیدنه
أشنه خوزیان: اشنه حالت تهوع را فرو می‌نشاند اگر در شراب خیسانده و نوشیده شود. خوزی گفته است: وقتی در شراب خیسانده شود، آن شراب، خواب بسیار عمیقی می‌آورد.	**أشنه** خوزیان گفته‌اند: آن سرد و بسیار خشک است.		
آبنوس خوزیان: آبنوس سنگ مثانه را خُرد می‌کند.	**آبنوس** خوزیان گفته‌اند: سنگ کلیه را خرد می‌کند.		
	اوبوطیلون خوزیان گفته‌اند: آن به همین اسم معروف است.	**اوبوطیلون** خوزیان می‌گویند: آن به همین اسم معروف است و برای دُمل‌های تازه مفید است و آن‌ها را در جا ترمیم و به هم جوش می‌دهد.	
گردو خوزیان: روغن گردو اگر چندین بار نوشیده شود، هر روز یک اوقیه، کرم را می‌اندازد.	**گردو** خوزیان: گردو موجب سنگینی زبان و بثور در دهان می‌شود.		
زنجبیل ابن ماسویه، شرک الهندی، خوزیان و ماسرجویه: زنجبیل قوای جنسی را زیاد می‌کند.	**زنجبیل** خوزی گفته است: شکم را بند می‌آورد.	**زنجبیل** خوزیان گفته‌اند: آن شکم را بند می‌آورد.	
زعفران خوزی گفته است: خلطی را البته برنمی‌انگیزد بلکه اخلاط را با نسبت مساوی حفظ می‌کند و آن برای انسدادهای کبد خوب است و کبد را تقویت می‌کند.	**زعفران** خوزی گفته است: به هیچ وجه خلطی را تغییر نمی‌دهد، بلکه آن را در حالت خشکی نگه می‌دارد و عفونت را برطرف می‌کند و روده‌ها را تقویت می‌کند.	**زعفران** خوزی: آن هیچ خلطی را تغییر نمی‌دهد بلکه اخلاط را به صورت مساوی حفظ می‌کند و موجب تقویت می‌شود.	
کنگر خوزیان گفته‌اند: همانا کنگر، سرد و تر و غلیظ است و ایجاد انسداد می‌کند.	**کنگر** خوزی گفته است: سرد و تر است و نیز گفته است: آن تولید سوداء می‌کند.		
گاودانه خوزیان: گاودانه، دانه‌ای است که گاو آن را در مغرب می‌خورد و طلای آن برای کچلی و درد گوش مفید است و اگر با مخیطه ترکیب شود برای سرفه مفید است. اگر با مطجنا نیز نوشیده شود برای سرفه مفید است و آن دانه‌ای است شبیه به دانه‌ی بهْ. خوزیان گفته‌اند: در اوّل گرم بوده و ملیّن است و برای سرفه مفید است.	**گاودانه** به گمان خوزی: دانه‌ی آن شبیه بِهدانه است.	**گاودانه** خوزیان: برای سرفه مفید است.	**گاودانه** خوزی: دانه‌ای است شبیه بهدانه که گاو آن را در مغرب می‌خورد. نوع سفید آن از آن که به سرخی و به زردی می‌زند، بدی کمتر دارد.
لادن خوزیان: لادن سرد و قابض است و شکم را بند می‌آورد.	**لادن** خوزی گفته است: سرد و قابض است.		

Archive of SID
www.SID.ir

حاوی	قانون	جامع	صیدنه
گاو زبان خوزیان: گاوزبان و برگ آن وقتی سوزانده شود برای قلاع و فساد لثه و حرارت در دهان مفید است. خوزیان: سرد و تر است در دوّم و برگ آن اگر سوزانده شود برای سستی زبان و لثه و زخم‌های قلاع در دهان مفید است بخصوص در دهان کودکان و برای هر نوع حرارتی که در دهان باشد.	**گاو زبان** خوزیان گفته‌اند: در آخر دوّم سرد و تر است.	**گاو زبان** خوزیان: اگر برگ آن سوزانده شود برای سستی لثه و قلاع بخصوص در دهان کودکان و برای هر نوع حرارتی که در دهان باشد، مفید است.	
لبلاب خوزیان: سرد و مُسهل است و برای تب سخت مفید است.	**لبلاب** از دیدگاه خوزی: آن سرد است.		
مورد اسفرم خوزی: قدرتش مانند قدرت افسنتین رومی است، معده و کبد را تقویت می‌کند و بسیار قابض است.	**مورد اسفرم** خوزی گفته است: همان قوت افسنتین رومی را دارد و قبض آن بیشتر است.	**مورد اسفرم** خوزیان گفته‌اند: در قوّت [مانند] افسنتین رومی و با قبض بیشتر است و در درجه‌ی دوّم گرم و خشک می‌باشد. برای سردرد و رطوبت مغز مفید است و معده و کبد را تقویت می‌کند و بر کسی که بر روی شکم و احشاء افتاده و برای کرم‌ها به صورت شیاف مفید است.	
پلنگ خوزی: چربیش بهترین دارو برای فلج است و صفرای آن کُشنده است و صفرای ببر و همچنین چربی آن در آن نافذتر است.	**پلنگ** خوزی گفته است: پیه پلنگ بهترین دارو برای فالج است.		
فرفیون خوزیان: فرفیون دهانه‌ی رحم را بسیار جمع و مانع از سقط جنین می‌شود، اگر به مادران قبل از سقط نوشانده شود.	**فرفیون** خوزیان گفته‌اند: دهانه‌ی رحم را آنچنان به هم می‌چسباند که مانع داروهای سقط جنین می‌شود. و نیز گفته‌اند: آن مُسهل بلغم لزجی است که در سرین و پشت و روده ماندگار است...	**فرفیون** خوزیان گفته‌اند: فرفیون دهانه‌ی رحم را به شدّت به هم بچسباند به طوری که مانع داروهای سقط، از سقط جنین می‌شود.	
ریوند خوزیان: خوب است وقتی دو درهم از طلای ممزوج آن برای ضربه و سقطه استفاده شود که درآن فوق‌العاده است و گفته‌اند: احتمالاً گرم و خشک در دوّم است و وقتی با سرکه کوبیده شود و ضماد آن بر روی کلف مالیده شود، آن را از بین می‌برد.	**ریوند** خوزی گفته است: میزان مصرف در ترکیب طلای آن دو درهم است و برای فسخ‌ها [در رفتگی‌ها و گسستگی‌ها] اگر با شراب ریحانی میل شود. همچنین با روغنش برای فسخ عضله، درد و کشش آن روغن مالی می‌شود و نیز برای فتق مفید است.	**ریوند** خوزیان گفته‌اند: آن در درجه‌ی دوّم گرم و خشک است و اگر با سرکه مخلوط شود و به صورت طلا شود، کلف را می‌برد.	
انقوانقون خوزیان گفته‌اند: هرکس آن را استفاده کند، حافظه‌اش خوب و عقلش نیکو گردد.		**انقوانقون** خوزیان گفته‌اند: هرکس آن را استفاده کند از حافظه‌ای خوب و عقلی نیکو برخوردار می‌شود.	
بذر کتان خوزیان: از چیزهایی که درد نقرس را فرو می‌نشاند این است که بذر کتان سوزانده شود.		**بذر کتان** خوزیان گفته‌اند: در انداختن جنین و اسهال آب بی‌نظیر است.	

Archive of SID
www.SID.ir

حاوی	قانون	جامع	صیدنه
		بل خوزیان گفته‌اند: خیار هندی است.	**بل** خوزی گفته است: آن خیار برّی هندی است.
فندق هندی خوزیان: برای فلج خوب است.		**فندق هندی** خوزیان گفته‌اند: برای بیماری فلج مفید است.	
شنبلیله خوزیان گفته‌اند: شنبلیله سینه را پاک می‌کند. خوزیان: شنبلیله قوای جنسی را زیاد می‌کند. خوزیان: سبزی شنبلیله و بذر آن هر دو قوای جنسی را تحریک می‌کنند. خوزیان گفته‌اند: شنبلیله‌ی تازه، خون را زیاد می‌کند.		**شنبلیله** خوزیان: شنبلیله‌ی تازه خون را بسیار زیاد می‌کند.	
فضله‌ی کبوتر خوزیان گفته‌اند: وقتی فَضله کبوتر با آب پخته شود و در آن نشسته شود برای احتباس ادرار مفید است.		**فضله‌ی کبوتر** خوزیان: فضله‌ی کبوتر وقتی با آب پخته شود و کسی که عسر البول دارد، در آن بنشیند، بسیار برای او مفید است.	
گوشت الاغ خوزیان گفته‌اند: گوشت الاغ وقتی پخته شود برای صاحب کزاز که یبوست زیاد دارد بسیار مفید است.		**گوشت الاغ** رازی: خوزیان گفته‌اند: وقتی گوشت الاغ پخته شود و فرد مبتلا به کزاز ناشی از خشکی زیاد، در آن بنشیند، بسیار برایش مفید است.	
خبزالحواری خوزیان گفته‌اند: خبزالحواری بدن را چاق می‌کند.		**خبزالحواری** خوزیان گفته‌اند: قوت خبزالحواری بدن را چاق می‌کند.	
کرچک خوزی گفته است: بهترین نرم کننده است که هر نوع سفتی را نرم می‌کند.		**کرچک** خوزیان گفته‌اند: بهترین نرم کننده است که هرگونه سفتی و صلابت را چه با خوردنش و چه با ضمادش، نرم می‌کند.	
ذراریح خوزیان گفته‌اند: طلا کردن با آن بسیار برای سَعفه و برص مفید است.		**ذراریح** خوزیان: برای سعفه مفید است، اگر با سرکه بصورت رقیق مالیده شود.	
زرنیخ خوزیان گفته‌اند: زرنیخ سه نوع است: یک نوع سفید است و آن کشنده است و یک نوع زرد است که برای آثار ضربه با عصا و تازیانه و جای خراش و پاره‌گی خوب است و طلای آن خون مردگی را از بین می‌برد و نوع قرمز آن بهتر از فلدفیون است.		**زرنیخ** خوزیان گفته‌اند: سه نوع است: یک نوع سفید که کشنده است و نوع زرد آن برای ضرب‌دیدگی ناشی از عصا، تازیانه و خراشیدگی خوب است و اگر طلا شود آثار خون مرده را می‌برد و قرمز آن در قلقندیون بهتر است.	**زرنیخ** خوزی: سه نوع است، سفید که کُشنده است و زرد و قرمز.
روغن گاو خوزیان گفته‌اند: مانع رسیدن سمّ مارهای افعی به قلب می‌شود.		**روغن گاو** خوزیان گفته‌اند: از رسیدن سمّ مارهای افعی به قلب جلوگیری می‌کند.	

www.SID.ir

حاوی	قانون	جامع	صیدنه
طباشیر خوزی: برای خفقان قلب مفید است و آن سرد و خشک در سوّم است، شکم را می‌بندد و برای دهان و احتراق مرّه مفید است و معده را تقویت می‌کند و برای غش مفید است، اگر از آن خورده شود و یا با آن طلا شود و برای خفقان و حرارت و بثورات دهان کودکان خوب است. طباشیر بسیار از قی جلوگیری می‌کند و حرارت و گرمی معده را فرو می‌نشاند، اگر سه درهم از آن با آب انار ترش نوشیده شود. خوزیان: طباشیر برای خفقان همراه با حرارت شدید خوب است.		**طباشیر** خوزی: برای سوزاندن مرّه حمراء خوب است و شکم را می‌بندد و معده را با نوشیدنش و با طلاکردن با آن تقویت می‌کند.	
طرفاء خوزیان: سرد و لطیف و خشک است و اگر دود داده شود برای ورم‌های سرد و برای بیشتر ورم‌ها مفید است.		**طرفاء** خوزیان: دود داده طرفاء برای ورم‌های سرد و اغلب ورم‌ها مفید است.	
گل مختوم خوزیان: اگر کوبیده شود و در دهان پاشیده شود، خون جاری را قطع می‌کند و البته دارویی که قطع کننده‌تر از آن برای خون باشد، نیست. خوزیان: دارویی قطع کننده‌تر از گل مختوم خالص برای خونریزی نیست. خوزیان: گِل مختومِ خالص اگر بر روی دهانه‌ی زخمی که خون از آن جاری است، پاشیده شود، خون را قطع می‌کند. خوزی گفته است: بهترینش رایحه شوید را دارد و اگر روی دهانه‌ی [زخمی] که خون از آن جاری می‌شود، گذارده شود، خون آن را بند می‌آورد.		**گل مختوم** خوزیان: بهترینِ آن رایحه‌ای مانند رایحه‌ی زاج دارد و اگر بر دهانه‌ی زخمی که خون از آن جاری است، پاشیده شود، آن خونریزی را قطع می‌کند.	**گل مختوم** خوزیان: بهترین آن بوی شوید را دارد و اگر از آن در دهانی که در حال خونریزی است، گذارده شود، خون را قطع می‌کند.
ترب خوزیان: تُرُب هم منی و هم نعوظ را زیاد می‌کند. خوزی: نعوظ و منی را زیاد می‌کند. خوزیان گفته‌اند: بذر آن برای قیء مفید است. خوزیان: بذر ترب قی را بر می‌انگیزد.		**ترب** خوزیان: نعوظ و منی را افزایش می‌دهد و بذر آن قی می‌آورد.	
کاشم خوزیان: یک درهم از آن با شراب ترکیب شود کرم‌های بزرگ داخل شکم را و دو درهم از آن صاحبان استسقاء را درمان می‌کند. خوزیان گفته‌اند: دو درهم از کاشم با شراب برای دفع کرم‌های بزرگ نوشیده شود.		**کاشم رومی** خوزیان: برای کرم‌های بزرگ شکم یک درهم از آن با شراب ممزوج نوشیده می‌شود و برای صاحبان استسقاء دو درهم با آب گرم.	
قارچ خوزیان: زیاده‌روی در فُطر موجب سختی ادرار می‌شود.		**قارچ** خوزیان: زیاده روی در آن عسرالبول بر جای می‌گذارد.	
کدو خوزی: برای درد حلق مفید است.		**کدو** خوزیان: برای درد حلق مفید است.	

Archive of SID
www.SID.ir

حاوی	قانون	جامع	صیدنه
قطاة خوزی: گوشت آن در نهایت خشکی است و حرارت آن شدید نیست. برای روان‌سازی شکم و استسقاء مفید است. **قنطوریون** خوزیان: قنطوریون کوچک مسهل قوی برای آب است. خوزی گفته است: قنطوریون دو نوع است: بزرگ و کوچک. هر دو نوع آن در آخر بهار می‌رویند و برگ آن شبیه اثل است. خوزیان: قنطوریون مسهل آب و در آن قوی است. خوزیان: مُسهل قوی برای بلغم و نیز برای آب است. **گشنیز** خوزیان: خشک آن وقتی خیسانده شود و آبش با شکر نوشیده شود نعوظ شدید را از بین می‌برد و منی را می‌خشکاند. خوزیان: برای حرارت و خشونت در دهان و زبان کوچک در حلق مفید است و آب خیسانده آن با شکر، نعوظ را قطع می‌کند. آن برای درد مثانه و سخت شدن آن مفید است. **کسیلا** در جامع خوزیان گفته شده است: گرم و تر است و برای شل شدن معده خوب است و چاق می‌کند. **کماشیر** خوزیان و ابن‌ماسویه: کماشیر داروی هندی است در درجه‌ی چهارم از حرارت، از فربیون گرفته می‌شود و نظیری برای آن در انداختن جنین وجود ندارد. خوزی: در انداختن جنین و مُسهل آب بودن نظیر ندارد. **کهرباء** خوزیان: کهربا اگر بر روی ورم‌های شدید بسته شود مفید است و آن سرد است و برای خفقان و نفث الدم و خون دماغ مفید است. **مازریون** خوزیان: خاصیت مازریون اسهال سوداء است و آن در چهارم خشک است و رطوبت کبد و تمامی بدن را می‌خورد و استسقاء را برای کسی که آن را بنوشد سرعت می‌بخشد و برای زخم‌های بد مفید است. خوزیان: کف آن (مازریون) کبد را به شدّت می‌خورد و استسقاء را در مصرف کننده‌اش سرعت می‌دهد و گفته‌اند مازریون به طور خاص، مسهل سوداء است. ابن‌ماسویه، خوزیان و هندی: کهنه و قدیمی آن کرم کدو را خارج می‌کند.		**قطاة** خوزیان: گوشت آن خشک است و گرم نیست، آن برای کسی که انسداد و ضعف کبد و فساد مزاج و استسقاء دارد، مفید است و تولید سودا می‌کند. **قنطوریون** خوزیان: آب زرد را اسهال قوی می‌دهد. **گشنیز** خوزیان: اگر خشک آن خیسانده شود و آب آن، با شکر نوشیده شود، نعوظ شدید را قطع می‌کند و منی را خشک می‌نماید. **کسیلا** خوزیان: آن در حرارت و رطوبت معتدل است و معده را تقویت می‌کند و چاق کننده است و زنان بدان منظور از آن استفاده می‌کند. **کماشیر** خوزیان گفته‌اند: در انداختن جنین و اسهال آب نظیری برای آن وجود ندارد. **کهربا** خوزیان: خون دماغ را قطع می‌کند و اگر بر فردی که ورم‌های گرم دارد بسته شود، برای آن مفید است. **مازریون** خوزیان گفته‌اند: گرم و خشک در درجه‌ی چهارم است و رطوبت کبد و همه‌ی بدن را می‌خورد و استسقاء را بر کسی که آن را می‌نوشد، سرعت می‌بخشد.	**کماشیر** خوزی: صمغی است که شبیه جاوشیر می‌باشد.

www.SID.ir

حاوی	قانون	جامع	صیدنه
مرداسنج در شوسماهیِ خوزیان: مرداسنج سفید مهمترین منفعتش این است که آثار باقیمانده از زخم‌ها و غیر آن را در صورت پاک می‌کند. اگر مرداسنج شسته شود سرد در دوّم است. خوزیان گفته‌اند: خشکی مرداسنج سفید، زیاد است و بیشترین منفعت آن برای کسی است که می‌خواهد آثار زخم‌های ناشی از آبله و غیر آن را از بین ببرد و بوی زیر بغل را قطع می‌کند و جلوی عرق جاری را می‌گیرد. مرداسنج از انواع سم است و وقتی نوشیده شود شکم را بند می‌آورد و ورم داخلی ایجاد می‌کند و مرگ را به همراه می‌آورد. خوزیان گفته‌اند: بزرگترین منفعت مرداسنج سفید این است که آثار زخم‌ها و آبله را با قدرت بالایی از بین می‌برد و البته آن را زخم نمی‌کند. **زرد آلو** خوزیان: مُسهل صفراء است و خلط غلیظ تولید می‌کند که تب از آن ناشی می‌شود. **نمک هندی** خوزیان: نمک هندی مُسهل آب زرد است و بادها را دفع می‌کند و مُلیّن شکم است و بلغم را از بین می‌برد و قلب را محکم می‌کند و برای درد آن مفید است و میل به غذا را افزایش می‌دهد. تمامی اقسام نمک‌ها برای انواع دُمل و تخمه‌ی خوب است و غذا را هضم می‌کند و زردی را از صورت می‌برد. خوزیان: نمک هندی مسهل آب زرد است و نمک اندرانی مسهل بلغم است. **مومیائی** خوزیان: آن دارویی است که از هر داروی دیگری برای نفث الدّم مؤثرتر است و آن اگر با زنبق حل شود و برداشته شود برای بی‌صبری در احتباس ادرار مفید است. **سورنجان** خوزی گفته است: سورنجان ریشه‌ی رویانی است که قبل از باران‌ها می‌روید و آن دو نوع است: سفید و قرمز. سفید دارو است و قرمز بد است. **کاکنج** خوزی گفته است: دو نوع است، یک نوع آن از ماه و اصفهان و مناطق سرد می‌آید. **نیلوفر هندی** خوزیان گفته‌اند: ریشه‌ی نیلوفر هندی قوتش مانند قوت یبروح است.		**مرداسنج** خوزیان: نوع سفید آن بوی زیر بغل را قطع می‌کند و رائحه عرق را خوش می‌کند. **زرد آلو** خوزیان: مسهل آب زرد و صفرا می‌باشد و خلطی غلیظ تولید می‌کند. **نمک هندی** خوزیان: نمک هندی مُسهل آب زرد است و بادها را دفع می‌کند و سینه و شکم را نرم می‌کند و بلغم را از بین می‌برد و قلب را تیز می‌کند و برای درد آن مفید است و اشتها آور است و زردی چهره را می‌برد. **مومیائی** خوزیان گفته‌اند: بهترین و کامل‌ترین داروی خلط خون است و اگر با زنبق حل شود و برداشته شود برای کم صبری در ادرار مفید است.	**سورنجان** خوزیان: ریشه‌ی گیاهی است که در فصل پاییز در کوهپایه‌ها قبل از بارش باران می‌روید. **کاکنج** خوزیان: در نواحی صباهان و ماه بسیار باشد. **نیلوفر هندی** خوزیان: ریشه‌ی نیلوفر هندی در خواب‌آور بودن، قوتی شبیه قوت یبروح دارد.

Archive of SID
www.SID.ir

جدول ۴. مفرداتی که فقط در کتاب الحاوی مورد اشاره قرار گرفته است.

۱	آب پنیر	۳۲	حرف	۶۳	زوفای رطب	۹۳	کماه
۲	آب گوارا	۳۳	حمص	۶۴	زوفرا	۹۴	کنگرزد
۳	آزاد درخت	۳۴	حندقوقا	۶۵	سادوران	۹۵	کور گندم
۴	آمله	۳۵	حور	۶۶	سرگین گاو	۹۶	گلاب
۵	ابرامین	۳۶	همیشه بهار	۶۷	سقنقور	۹۷	گوشت کبک
۶	آلو	۳۷	حیلب	۶۸	سکبینج	۹۸	لاک پشت
۷	اربیاطایون	۳۸	خارد	۶۹	سندروس	۹۹	ماء الحدید
۸	اشترغاز	۳۹	پنیرک	۷۰	سوس	۱۰۰	محلب
۹	اشنان	۴۰	خبث	۷۱	سیر	۱۰۱	مرو
۱۰	تریاک	۴۱	خبث الفضه	۷۲	شورق	۱۰۲	مسحقونیا
۱۱	انجره	۴۲	خردل سفید	۷۳	شیر گاو	۱۰۳	مصطکی
۱۲	إذخر	۴۳	خطر	۷۴	صبر عربی	۱۰۴	مغاث
۱۳	باذروج	۴۴	خولنجان	۷۵	طرخشقوق	۱۰۵	کافشه
۱۴	آزاد درخت	۴۵	فلوس	۷۶	مورد	۱۰۶	مقل ازرق
۱۵	بلادر	۴۶	داذی	۷۷	عود هندی	۱۰۷	موز
۱۶	موسیر	۴۷	درونج	۷۸	غاریقون	۱۰۸	میگو
۱۷	پیاز	۴۸	ورد	۷۹	غافث	۱۰۹	مس
۱۸	تربد	۴۹	ذنب الخیل	۸۰	فاط	۱۱۰	نخود
۱۹	ترنجبین	۵۰	رئم داروع	۸۱	فاوانیا	۱۱۱	نفت سفید
۲۰	ثیل	۵۱	ربیثا	۸۲	فأر	۱۱۲	نفت سیاه
۲۱	جدوار	۵۲	رجله	۸۳	فوۀ الصبغ	۱۱۳	نمک
۲۲	جعده	۵۳	زهره	۸۴	فوفل	۱۱۴	نیل
۲۳	جلد اروح	۵۴	رعی الحمام	۸۵	قبج	۱۱۵	اگیر ترکی
۲۴	جند باد ستر	۵۵	ریحان سلیمان	۸۶	قرد مانا	۱۱۶	خرزهره
۲۵	جوز گندم	۵۶	ریه	۸۷	قصب الذریره	۱۱۷	هلیله سیاه
۲۶	چربی مرغابی	۵۷	جیوه	۸۸	قلفونیا	۱۱۸	یتوع
۲۷	حاشش	۵۸	زاج الحبر	۸۹	قلقاس	۱۱۹	گوشت مرغ
۲۸	حب النیل	۵۹	زبان گنجشک	۹۰	کبر	۱۲۰	فندق
۲۹	حبلب	۶۰	سرگین فیل	۹۱	کبک	۱۲۱	شیرین بیان
۳۰	حبه الخضراء	۶۱	زرنباد	۹۲	کره شیرگاو	۱۲۲	مرداسفرج
۳۱	حذاء	۶۲	زفت	۹۳	کشت بر کشت		

جدول ۵. مفرداتی که فقط در یکی از کتاب‌های القانون، الجامع و الصیدنه مورد اشاره قرار گرفته است.

قانون			
حاسیس	ارید برید (ارند برند)		
جامع			
مثنان	حندقوقی برّی	سوندا	طیهوج
مرماحور	فراخ الحمام		
صیدنه			
ورد منتن	کراث	ایرامامیز	بسبایج
بیش موشک	تفاح	جنطیانا	اصابع هرمس

www.SID.ir

تشکر و قدردانی:
مقاله حاضر مستخرج از طرح تحقیقاتی "بازسازی کتاب خوز و خوزی" مصوب گروه طب اسلامی و سنتی و معاونت پژوهشی فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. بدینوسیله مولفین مراتب تقدیر و سپاس گزاری خود را از حمایت‌های بی دریغ ایشان اعلام می‌دارد.

منابع

۱. سزگین، فؤاد: تاریخ نگارش‌های عربی،ج۳، ترجمه: جهانداری، کیکاووس. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

2. Ullmann, M. Die Medizin Im Islam; Leiden: E J Brill; 1970.

3. Leclerc, L. Histoir de la Medicine Arabe; New York; N.Y.Burt Franklin; 1876.

٤. الرازی، ابی‌بکر محمدبن زکریا: الحاوی فی الطب. دائرة المعارف العثمانیه، حیدرآباد دکن، چاپ اوّل، ۱۹۵۵.

۵. ابن سینا، الشیخ الرئیس ابی علی: القانون فی الطب. تحقیق و تعلیق: الحسام، سعید. دار الفکر، بیروت، ۲۰۰۵.

٦. ابن‌بیطار، ابو محمد عبدالله بن احمد: الجامع لمفردات الأدویة و الأغذیه. ج.۱. دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۸۰.

۷. بیرونی، ابوریحان: کتاب الصیدنه فی الطب. تصحیح، مقدمه و تحشیه: زریاب، عباس، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰.

Archive of SID

www.SID.ir